

## پیش‌گفتار مازیار رازی به تاریخ انقلاب روسیه اثر لئون تروتسکی

کتاب «تاریخ انقلاب روسیه» را می‌توان بزرگ‌ترین اثر تاریخی در مورد عظیم‌ترین واقعه‌ی تاریخی بشر، یعنی انقلاب روسیه، معرفی کرد. نویسنده‌ی این کتاب شخص "بی‌طرف" یا "ناظری بر وقایع" و یا یک مورخ تنها نبوده است. لئون تروتسکی رهبر انقلاب روسیه، یار نین و سازمان‌دهنده‌ی قیام اکتبر ۱۹۱۷، شخصی است که در کلیه‌ی وقایع انقلاب روسیه شرکت فعال و تعیین‌کننده داشته است. او با درک عمیق خود از اوضاع و تسلط کاملش بر مارکسیزم در این کتاب، تاریخ را چنان توضیح داده است.

«ایزاک دویچر» مورخ معروف، در مورد این کتاب می‌نویسد: "من کاملاً موافقم که شاید این عظیم‌ترین کتاب اروپایی در قرن بیستم باشد." خواننده با مطالعه‌ی این کتاب در خواهد یافت که اگر دویچر کوتاهی نکرده باشد حداقل کلام را گفته است.

نویسنده‌ی این کتاب یعنی لئون تروتسکی شخصی ناشناخته‌ی نیست. او رئیس شورای کارگران پتروگراد در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، سازمان

## پیش‌گفتار مازیار رازی به تاریخ انقلاب روسیه اثر لنون تروتسکی

دهنده‌ی قیام اکتبر ۱۹۱۷، وزیر امور خارجه‌ی اولین حکومت شوروی، سازمان‌دهنده‌ی ارتش سرخ بوده است. همین تاریخچه‌ی کوتاه معرف یک انقلابی است که در یک دوره‌ی تاریخی از انقلاب‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها شرکت داشته است و آن هم در رهبری آن.

لنون تروتسکی هم چنین یک دوره‌ی تاریخی را که پس از پیروزی انقلاب روسیه به وجود آمد و انحطاط حزب بلشویک به رهبری استالین و از بین رفتن برخی از دست‌آوردهای انقلاب در روسیه را به دنبال داشت، مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار داد و آثار بسیاری در این باره به نگارش در آورد. در این دوره آثار وی در مورد علل پیدایش استالینیزم و هم چنین آثار بی‌شمارش در مورد فاشیزم از گران بهاترین آثار مارکسیزم انقلابی به شمار می‌رود. تروتسکی در مبارزه‌ی خود علیه استالینیزم و تجدیدنظرطلبی در مارکسیزم، بین‌الملل چهارم را در سال ۱۹۳۸ تأسیس کرد. و بالاخره دو سال بعد در اوت ۱۹۴۰ توسط مأمورین استالین در تبعیدگاهش در مکزیک به قتل رسید.

حزب بلشویک با شفافیت و مهارت متحیرکننده در حال پیشروی برای تسخیر قدرت، پس از سرنگون شدن سلطنت در روسیه بود. برای این که در این مورد متقاعد شویم، ضرورت دارد به سادگی به خواندن «نامه‌های از راه دور» که به وسیله‌ی لنین، پیش از حرکتش از «زوریخ» در مارس ۱۹۱۷ به رشته‌ی تحریر در آمد، پردازیم. البته شاید بمانند سایر اسناد تاریخی که باید دقیق بیان شوند، این نوشته نیز دارای کمبودها و محدودیت‌هایی باشد.

حزب بلشویک در حال پیشروی به سوی قدرت حتی قبل از روزهای نامعلوم مهاجرت کمیته مرکزی ( لنین و زینوویف) بود؛ این مسأله را می توان از موضع گیری بلشویک ها دریابیم. به طور مثال در سال ۱۹۱۴ بلشویک ها معتقد بودند که باید ماهیت جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تغییر دهیم، و یا خیلی پیش تر حزب بلشویک در کنگره لندن در سال ۱۹۰۳ به عنوان حزبی که باید خود را برای جنگ داخلی آماده کرده و تدارک لازم را ببیند، متولد شد.

زمانی که «لنین» در سوم آوریل ۱۹۱۷ به «پتروگراد» رسید، او اقدام به اصلاح خط سیاسی نشریه ی مرکزی حزب کرد. این کار صورت گرفت. او اقدام به تعریف اهداف طبقه ی کارگر نمود. لنین به طور خستگی ناپذیر اصرار داشت که بلشویک های میلیتانت باید با به کاری آغالش گری و متقاعد سازی بر توده ی کارگران پیروز شوند. در اولین روزهای ماه جولای، زمانی که اولین خیزش انفجاری مردمی بر علیه دولت کرنسکی آغاز شد، بلشویک ها از دنباله روی این جنبش سر باز زدند. در معنی واقعی کلمه ما دارای رهبرانی بودیم که از رهبری نمودن توده ها سر باز می زدند. آن ها می خواستند از هر گونه قیام نابهنگام پرهیز کنند. آگاهی پرولتاریا که خودش را در درون حزب متبلور می ساخت وارد کشمکش زودگذر با ناشکیبایی و بی طاقتی انقلابی توده ها شده بود.

«ویکتور سرژ» یکی از مدافعان انقلاب اکتبر وقایع تسخیر قدرت را چنین توصیف می کند:

"بعد از ماه جولای، بیشتر رهبران فعال بورژوازی در فکر درمان این نقص و کمبود بودند. آن ها در سر ایده ی یک دولت مقتدر را می پروراندند.

روسیه در میان دو دیکتاتوری قرار داشت - دولت «کرنسکی»، بیش از یک دولت موقتی و گذرا نقش دیگری را بازی نمی‌کرد. کودتای ناموفق «کورنیلف» که به طور نهانی به وسیله ی «کرنسکی» و «ساونیکف» کمک می‌شد باعث بسیج تازه ی پرولتاریا گردید. موقعیت بدتر شده بود، و خبر از شرایط بسیار سختی برای پرولتاریا می‌داد که محرومیت شان روز به روز بیشتر می‌شد. هم چنین برای دهقانان نیز شرایط بدتر شده بود آنان به عینه شاهد بودند که انقلاب ارضی که «اس آر ها» قول را آن را داده بودند، با وجود حضور آن ها در ارکان قدرت، به زمانی دیگر موکول می‌شد و آن ها در خطر سرکوب به وسیله ی بعضی از ضد انقلابیون قرار داشتند. برای ارتش و ناوگان نیز موقعیت بدتر شده بود چرا که آن ها از طرفی، درگیر یک جنگ بی نتیجه بودند و از طرف دیگر در خدمت دشمنان طبقاتی خود قرار داشتند. وضعیت برای بورژوازی نیز بدتر شده بود چرا که موقعیت اش هر روز بیشتر به خاطر متلاشی شدن سیستم حمل و نقل، استهلاک و تنزل تجهیزات صنعتی، شکست در جبهه های جنگ، بحران در تولید، قحطی، عدم پذیرش حکومت کنندگان از طرف توده ها، فقدان قدرت و اعتبار دولت جدید و ناتوانی دستگاه اجرایی اش، به مخاطره می‌افتد.

بعد از ماه جولای، «لنین» به «وی. بونچ- برویویچ» اظهار داشت: "قیام به طور قطعی اجتناب ناپذیر است. و در زمان کوتاه نه چندان دور به امر ضروری که نمی‌تواند شکست بخورد مبدل خواهد شد". از اواسط ماه سپتامبر، حزب «بلشویک» به طور قاطعانه ای شروع به آماده سازی خود برای پیکار [نهانی] شد. کنفرانس دموکراتیک، که قرار بود به عنوان یک

پارلمان مقدماتی عمل کند جلسات خودش را در بین روزهای ۲۲-۱۴ سپتامبر انجام داد.

«لنین» که در آن زمان در مخفی گاه به سر می برد، مصررانه خواستارکناره گیری بلشویک ها از کنفرانس بود. این در حالی بود که تعدادی از بلشویک ها وسوسه شده بودند که به عنوان اپوزیسیون پارلمانی نقش بازی کنند. خط «لنین» که به وسیله ی اکثریت حزب حمایت می شد به اجرا گذاشته شد و بلشویک ها از درون کنفرانس بیرون آمده و در را به محکمی در پشت خود بستند. «تروتسکی» اعلامیه شان را برای باقی مانده ی نمایندگان قرائت کرد. سخن رانی تحریک کننده ی «تروتسکی» که چندی پیش لذت زندانی کشیدن در زیر حاکمیت بورژوازی و منشویک ها را چشیده بود به مانند شمشیری، تمامی نقشه هایی که به وسیله ی سخن رانان مختلف میانه روی قبلی طرح شده بود را از هم درید. او به حضار حاضر در جلسه با شفافیت و روشنی گفت که راه بازگشتی برای ما وجود ندارد؛ کارگران در فکر عقب نشینی نیستند و هیچ راهی را در مقابل خود به جز انقلاب نمی بینند. سخنان «تروتسکی» که ابتدا با سکوت شنیده می شد باعث لرزه و جنب و جوش در صندلی راحت نمایندگان و جایگاه های ویژه ای که به وسیله ی احزاب بورژوازی اشغال شده بودند، گردید. ناگهان، از سرسرا و بالکنی تندی از تشویق و دست زدن ها بلند شد... و این تمایل به قیام را به روشنی تصدیق کرد؛ اینجا تمامی درایت و قدرت کمیته مرکزی ( حزب ) لازم بود که از هر گونه اقدام فوری [توده ایی جهت قیام] ممانعت شود چراکه هنوز بسیار زود بود- روزهای جولای حتی

می‌توانست تجدید خون بارتری [از روزهای شکست] را در خود داشته باشد.

در روزهای سپتامبر (متناوباً اولین روزهای ماه اکتبر)، کمیته مرکزی حزب «بلشویک» (لنین، تروتسکی، سوردلف، زینوویف، کامنف، استالین، یاکوولوا و اپوکف) جلسه‌ای در آپارتمان «سوخائف» منشویک در پتروگراد برگزار کردند. در این جلسه حتی مبادی و اصول قیام نیز مورد مباحثه قرار گرفت. «کامنف» و «زینوویف» (نوگین و رایکف عقیده مشابه داشتند ولی در این جلسه حاضر نبودند) اظهار داشتند که قیام شاید به خودی خود موفقیت‌آمیز انجام شود اما باقی ماندن قدرت [در دست بلشویک‌ها] بعد از آن به علت فشارهای اقتصادی و بحران در توزیع مواد غذایی غیرممکن است. اکثریت اعضای شرکت‌کننده در این جلسه به قیام رای مثبت دادند و روز ۱۵ اکتبر را برای انجام آن تعیین کردند.

اجازه بدهید در ارتباط با یک نکته در این جا پافشاری کنیم. و آن این است که این تفاوت رای در بین بلشویک‌ها را نباید به عملکرد منشویک‌های که با فرصت‌طلبی و ضعف در طی سالیان متمادی و در طول جنگ داخلی از خود نشان دادند، یکی دانست. این مسأله را شاید بتوانیم به این شکل توضیح دهیم که بعضی از انقلابیون آزموده [در روند مبارزه] تمایل پیدا می‌کنند تا قدرت دشمن را دست‌بالا گرفته و تا حد خاصی به قدرت پرولتاریا اعتماد و اطمینان نداشته باشند. آن‌ها نقشی را در قیام بازی نمی‌کنند. این وظیفه‌ی تمامی انقلابیون است که پیش از هر گونه عمل، امکانات و احتمالات را بسنجند.

اگر بلشویک های مخالف قیام نگران امکان شکست انقلاب بودند، درک آن ها به هیچ وجه نقطه ی مشترکی با ضد انقلابیون نداشت؛ چراکه ضد انقلابیون از هیچ چیزی بیشتر از پیروزی پرولتاریا هراس نداشتند. معذالک، نظر به این که این ترس [ تعدادی از بلشویک ها ] نتیجه ی تفسیر نادرست از حقیقت بود می توانست موجب انحرافات جبران ناپذیری گردد.

زمانه در مساعدت و هم راهی با انقلاب فقط در ساعت های خاصی عمل می کند و زمانی که ساعت سپری شد، بر ضد آن عمل خواهد نمود. زمانی که یک عمل به تأخیر می افتد ممکن است باعث از دست دادن یک فرصت تاریخی گردد. در نتیجه، اشتباه بلشویک های که مخالف قیام بودند، یک مساله ی بسیار جدی ی بود، به طوری که آن ها پس از انقلاب به آن اعتراف کردند.

در دهم اکتبر، کمیته مرکزی حزب بلشویک ( حاضرین: لنین، زینوویف، کامنف، تروتسکی سوردلف، یرایتسکی، استالین، دژرژینسکی، کولنتای، بابنوف، سوکولنیکف، لوموف) با اکثریت آرا، ده نفر موافق و دو نفر مخالف، حمایت خود را از تدارک فوری برای قیام اعلان داشتند. کار تدارک قیام به دفتر سیاسی که شامل لنین، تروتسکی، زینوویف، استالین، کامنف، سوکولنیکوف و بابنوف بودند، واگذار شد. " (نشریه میلیتانت شماره ۸).

هر صحنه ی کتاب «تاریخ انقلاب روسیه» اثر لنون تروتسکی؛ مانند تصویری زنده از برابر چشمان می گذرد و با این حال این کتاب فقط یک اثر تاریخی صرف نبوده است. برای یک مارکسیست انقلابی هر صفحه آن

پیش‌گفتار مازیار رازی به تاریخ انقلاب روسیه اثر لنون تروتسکی

درسی است از تجربیات انقلاب روسیه و گنجینه‌ای است از کاربرد مارکسیزم در آفرینش تاریخ و در عین حال نگارش آن است.

مطالعه دقیق این کتاب و درس‌گیری از آن، برای تدارک انقلاب آتی ایران، حیاتی است.

۸ نوامبر ۲۰۰۷

آدرس اینترنتی کتاب‌خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharzarri@yahoo.com](mailto:yasharzarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری